

تلخیص اخبار المغرب، چاپ محمد سعید عریان، قاهره ۱۳۶۸/۱۳۴۹؛
یاقوت حموی؛

El², s.v. "AL Dj azīra AL Khadrā" (by A. Huici Miranda).

/ محمد رضا ناجی /

جزیره الخضراء (۲)، جزیره‌ای که بنا بر ادعای برخی،

امام دوازدهم شیعیان عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرزنداناش در آن سکونت دارند و در فارسی به جزیره خضراء مشهور است. ظاهراً گزارش این جزیره برای نخستین بار در رساله‌ای تألیف مجدالدین فضل بن یحیی طیبی، از مردم واسط و از شاگردان علی بن عیسی اربلی (در باره شرح حال او ← خزّ عاملی، ص ۲۱۷-۲۱۸) آمده است. این رساله را آقابزرگ طهرانی به خط مؤلف آن دیده و از آن نسخه برداری کرده (ج ۵، ص ۱۰۶) و مجلسی، بی‌کم و کاست، در بحارالانوار (ج ۵۲، ص ۱۵۹-۱۷۴) درج کرده است.

طبق این رساله، فضل بن یحیی در ۶۹۹ در شهر حله، از شخصی به نام زین الدین علی بن فاضل مازندرانی داستان سفرش به اندلس را شنیده است. زین الدین در این سفر، که از دمشق آغاز کرده و پس از درنگ در مصر، راهی اندلس شده است، پس از حوادثی که برایش روی می‌دهد به سرزمینی به نام جزایر شیعیان (جزائر الرافضة) می‌رود و پس از مدتی درنگ در آنجا، همراه کشتیهایی که آذوقه مردم آن سرزمین را آورده بودند، راهی جزیره خضراء می‌شود، جزیره‌ای که بحر ابیض گرداگرد آن را فرا گرفته بوده و دشمنان بدان دست نمی‌یافته‌اند. او جزیره خضراء را زیباترین سرزمینی معرفی می‌کند که تا آن روز دیده بوده است و مردم آنجا را با اوصافی نیکو می‌ستاید. علی بن فاضل در آنجا با عالمی دینی به نام سید شمس الدین محمد، که نشب با پنج واسطه به امام زمان می‌رسد و نایب اوست، آشنا می‌شود و از محضر درس او استفاده می‌کند. سید شمس الدین خودش با امام زمان ارتباط مستقیم ندارد، اما هر صبح جمعه به محل با شکوهی می‌رود و از آنجا امام را زیارت می‌کند و پس از آنکه دو رکعت نماز می‌گزارد، در آنجا ورقه‌هایی می‌یابد که مسائل و احکام مورد نیاز مردم روی آن نوشته شده است. علی بن فاضل مسائلی چون حکم نماز جمعه در عصر غیبت، کیفیت نزول و جمع‌آوری قرآن و اینکه چرا برخی آیات قرآن با آیات قبل و بعد به ظاهر بی‌تناسب می‌نماید، رؤیت امام در عصر غیبت، زمان و نشانه‌های ظهور آن حضرت را از سید شمس الدین می‌پرسد و پاسخهای او را در کتابی به نام الفوائد الشمسية گرد می‌آورد. وی تصریح می‌کند که کتاب را فقط برای شیعیان خالص نوشته است. سید شمس الدین به این پرسش علی بن

ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۵). عبدالجبار بن ابی بکر بن محمد بن حمّیدیس (متوفی ۵۲۷) کتابی با عنوان تاریخ الجزیره الخضراء تألیف کرده است (حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۲۹۰؛ قس ابن خطیب، ۱۳۹۳-۱۳۹۷، ج ۱، ص ۸۳).

منابع: ابن اثیر، کتاب الحلة السیراء، چاپ حسین مونس، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴؛ ابن ابی زرع، الأنیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینة فاس، رباط ۱۹۷۲؛ ابن اثیر؛ ابن حزم، جمهرة انساب العرب، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن حیان، کتاب المقتبس فی تاریخ رجال الاندلس، قسم ۳، چاپ ملجور آنتونیا، پاریس ۱۹۳۷؛ همان المقتبس، ج ۵، چاپ چالمتا، مادرید ۱۹۷۹؛ همان المقتبس فی اخبار بلاد الاندلس، چاپ عبدالرحمان علی حبی، بیروت [؟ ۱۹۶۵]؛ همان المقتبس من انباء اهل الاندلس، چاپ محمود علی مکی، بیروت ۱۳۹۳/۱۹۷۳؛ ابن خطیب، الاحاطة فی اخبار غرناطة، چاپ محمد عبدالله عنان، قاهره ۱۳۹۳-۱۳۹۷/۱۹۷۷؛ همو، تاریخ اسبانية الاسلامیة، او، کتاب اعمال الاعلام، چاپ لوی - پرووانسال، بیروت ۱۹۵۶؛ همو، اللّمة البدریة فی الدولة النصریة، بیروت ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ ابن دلائ، نصوص عن الاندلس من کتاب ترصیع الاخبار، و تنويع الآثار و البستان فی غرائب البلدان و المسالك الی جمیع الممالک، چاپ عبدالعزیز اهوانی، مادرید ۱۹۶۵؛ ابن سعید مغربی، کتاب الجغرافیا، چاپ اسماعیل عربی، بیروت ۱۹۷۰؛ همو، المغرب فی حلی المغرب، چاپ شوقی ضیف، قاهره ۱۹۶۴؛ ابن صاحب الصلاة، المن بالامامة: تاریخ بلاد المغرب و الاندلس فی عهد الموحدين، چاپ عبدالهادی تازی، بیروت ۱۹۸۷؛ ابن عثمان، الاکسیر فی فکاک الاسیر، چاپ محمد فاسی، رباط ۱۹۶۵؛ ابن عذاری، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ج ۳-۱، چاپ ژ. س. کولن و ا. لوی - پرووانسال، بیروت ۱۹۸۳؛ ابن قوطیبه، تاریخ افتتاح الاندلس، چاپ ابراهیم ایباری، قاهره ۱۴۱۰/۱۹۸۹؛ ابن کردبوس، تاریخ الاندلس لابن الکردبوس و وصفه لابن الشباط، چاپ احمد مختار عبّادی، مادرید ۱۹۷۱؛ اخبار مجموعة فی فتح الاندلس، چاپ ابراهیم ایباری، قاهره ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ محمد بن محمد ادرسی، کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، قاهره: مکتبة الثقافة الدینیة، [بی‌نا.]; عبدالله بن عبدالعزیز بکری، کتاب المسالك و الممالک، چاپ ادربان فانلیوف و اندری فری، تونس ۱۹۹۲؛ حاجی خلیفه؛ محمد بن عبدالله حمیری، الروض المعطار فی خبر الاقطار، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۸۴؛ عبدالله بن یثقیل زبیری، مذكرات الامیر عبدالله، آخر ملوک بنی زبیری بغرناطة (۴۶۹-۴۸۳)، المسماة بکتاب التیان، چاپ ا. لوی - پرووانسال، قاهره ۱۹۵۵؛ محمد عبدالله عنان، الآثار الاندلسیة الباقیة فی اسبانيا و البرتغال، قاهره ۱۳۸۱/۱۹۶۱؛ همو، دولة الاسلام فی الاندلس، قاهره ۱۹۹۷/۱۴۱۷؛ کتاب الحلل الموشیة فی ذکر الاخبار المراكشیة، لمؤلف اندلسی من اهل القرن الثامن الهجری، چاپ سهیل زکار و عبدالقادر زمامه، دارالبیضاء ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ کمال ابریمصطفی، بحوث فی تاریخ و حضارة الاندلس فی العصر الاسلامی، اسکندریه ۱۹۹۳؛ عبدالواحد بن علی مراکش، المعجب فی

فاضل که من از شیعیان مخلص امام زمانم، پس چرا او را ندیده‌ام، پاسخ می‌دهد که تو در طول همین سفر، بدون اینکه متوجه باشی، دوبار امام زمان را دیده‌ای و سپس زمان و مکان دیدارها را برای او بازگو می‌کند و علی بن فاضل نیز آنها را به یاد می‌آورد.

علی بن فاضل سرانجام به امر سید شمس‌الدین با همان کشتی که آمده بود، باز می‌گردد و از آنجا برای گزاردن حج، عازم مکه می‌شود و سرانجام به عراق می‌رود و در نجف مجاور می‌شود.

پیش از مجلسی، قاضی نورالله شوشتری (متوفی ۱۰۱۹)، به مناسبت ذکر برخی مکانها، به جزیره خضراء و همین داستان اشاره کرده و اظهار داشته که شهید اول این حکایت را از زین‌الدین مذکور روایت کرده و با خط خود نوشته بوده است. قاضی نورالله، سپس ذکر کرده که یکی از معاصرانش به نام شمس‌الدین محمد بن اسدالله شوشتری به خواسته شاه طهماسب صفوی، کتابی در بیان حکمت و مصلحت غیبت تألیف کرده، و رساله جزیره الخضر را نیز در آن [به فارسی] درج نموده است (ج ۱، ص ۷۸-۷۹). آقابزرگ طهرانی (ج ۵، ص ۱۰۶) احتمال داده است که این ترجمه فارسی همان ترجمه‌ای باشد که به نام محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) در هند چاپ شده است (به همان، ج ۱، ص ۱۰۹، ج ۴، ص ۹۳-۹۴).

داستان دیگری را بیاضی (ج ۲، ص ۲۶۴-۲۶۶) از کمال‌الدین انباری در ۵۴۳ نقل کرده که از برخی جهات شبیه ماجرای جزیره خضراء است. خلاصه آن چنین است: انباری در مجلسی حضور داشت که عون‌الدین یحیی بن هُبیره، وزیر المقتدی بالله عباسی، در مذمت مذهب شیعه سخنی گفت. در این هنگام مردی که مورد احترام وزیر بود، اجازه خواست در باره شیعیان حکایتی نقل کند که خود شاهد بوده است. او گفت: من و پدرم به قصد تجارت از بایه که شهری بسیار بزرگ بود با کشتی عازم سفر شدیم. آنگاه، به جزایر سرسبزی رسیدیم که ناخدای کشتی نیز تا آن زمان به آنجا نرفته بود و نام آن را نمی‌دانست. مردمان این جزایر بهترین آداب و رسوم اجتماعی را داشتند و در راستی و امانت و دیانت بی‌همتا بودند. راوی داستان که از چندین شهر در این جزایر دیدن کرده بوده است، حاکمان این شهرها را به ترتیب طاهر، قاسم، ابراهیم و هاشم نام می‌برد و می‌گوید که همه آنان خود را از فرزندان صاحب‌الامر می‌دانستند (برای مشروح این داستان به نوری، ص ۲۱۳-۲۲۰).

در سألهای اخیر، مؤلفی عراقی به نام ناجی نجار، کتابی در باره جزیره خضراء نوشت و آن را با مثلث برمودا تطبیق داد. علی اکبر مهدی‌پور این کتاب را با عنوان جزیره خضراء و

تحقیقی پیرامون مثلث برمودا، همراه با افزوده‌هایی، به فارسی ترجمه کرد. جعفر مرتضی عاملی بر این کتاب نقد نوشته و علاوه بر اینکه سند و محتوای روایت را نقد کرده، تطبیق جزیره خضراء را بر مثلث برمودا ناروا دانسته است (برای توضیح بیشتر به عاملی، ص ۲۲۱-۲۳۶). کتاب دیگری که سند و محتوای داستان جزیره خضراء را با تفصیل بیشتر نقد کرده و اشکالات این حکایت را نمایانده و به نقد نظریه انطباق جزیره خضراء بر مثلث برمودا پرداخته، کتابی است در بررسی دیدگاههای محمدتقی شوشتری، جعفر مرتضی عاملی، ابراهیم امینی و دیگران که ابوالفضل طریقه‌دار با عنوان جزیره خضراء: افسانه یا واقعیت؟ تدوین و در باره آن تحقیق کرده است (برای تفصیل نقد نظریه انطباق جزیره خضراء بر مثلث برمودا در این کتاب به طریقه‌دار، ص ۴۷-۱۰۹، ۱۶۳-۱۷۴).

شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (ص ۶۹) این داستان را از ساخته‌های داستان‌سرایان معرفی می‌کند که برخی از اخباریها آن را از کتابهای مهجور و ساختگی نقل کرده‌اند. او مضمون و مفاد داستان را مخالف اصول پذیرفته شده شیعه و گفتار عالمان دانسته است (همان، ص ۷۰). برخی از معاصران، مانند آقابزرگ طهرانی (ج ۵، ص ۱۰۵)، سید محمدعلی قاضی طباطبائی (جزایری، ج ۲، ص ۶۹، تعلیقه قاضی طباطبائی)، محمدتقی تستری (ص ۱۴۶-۱۵۲) و سید محمد صدر (ص ۷۶-۸۸) نیز به نقد سند و محتوای این داستان پرداخته‌اند.

علی اکبر غفاری (ص ۱۱۴) اصل حکایت جزیره خضراء را مربوط به یکی از فرزندان اسماعیل، پسر امام صادق علیه‌السلام، می‌داند که با امام زمان هم‌لقب و دوازدهمین نسل از علی علیه‌السلام بود (نیز به حسن‌زاده آملی، ج ۲، نکته ۹۹۰). به نظر می‌رسد عراقیانی که از آن سرزمین دیدن کرده‌اند، به سبب تشابه نام و کنیه و لقب او با حضرت مهدی، تصور می‌کردند او همان مهدی است که نامش در روایات آمده و حاکمان آن جزایر فرزندان او هستند.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ علی بن محمد بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، چاپ محمدباقر بهبودی، [تهران] ۱۳۸۲؛ محمدتقی تستری، الاخبار الدخیلة، چاپ علی اکبر غفاری، تهران ۱۳۹۰؛ نعمت‌الله بن عبدالله جزایری، الانوار النعمانية، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۴؛ محمد بن حسن حرّعاملی، اصل الأصل، چاپ احمد حسینی، بغداد [۱۹۶۵]، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش؛ حسن حسن‌زاده آملی، هزارویک نکته، [تهران] ۱۳۶۴ ش؛ نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران ۱۳۵۴ ش؛ محمد صدر، تاریخ الغیبة الکبری، بیروت ۱۴۰۲/۱۹۸۲؛ ابوالفضل طریقه‌دار، جزیره خضراء: افسانه یا واقعیت؟، قم ۱۳۷۷ ش؛ جعفر مرتضی عاملی، دراسة فی علامات الظهور و الجزیره الخضر، قم ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ علی اکبر غفاری،

اروند رود در خلیج فارس امتداد دارد (جوادعلی، ج ۱، ص ۱۴۳؛ برای اطلاع بیشتر در باره حدود جزیره العرب به کتال، ص ۵-۷؛ حمزه، ص ۱۱-۱۳). در این قسمت بخشهایی از کشورهای اردن و عراق قرار می‌گیرد. همچنین گاهی شبه جزیره سینا نیز جزو جزیره العرب و در قسمت شمالی آن ذکر می‌شود (جوادعلی، ج ۱، ص ۱۴۴).

جزیره العرب مشتمل است بر این کشورها: عربستان سعودی با ۲۱۶۰۰۰۰۰ تن جمعیت، یمن با ۱۸۱۰۰۰۰۰۰ تن جمعیت در جنوب، عمان با ۲۵۰۰۰۰۰۰ تن جمعیت در مشرق، امارات متحده عربی با ۲۴۰۰۰۰۰۰ تن جمعیت در مشرق، کویت با ۲۰۰۰۰۰۰۰ تن جمعیت در شمال و قطر با ۵۹۹۰۰۰۰ تن جمعیت (همه بر اساس آمار ۱۳۷۹ ش / ۲۰۰۰) در ساحل جنوبی خلیج فارس (گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۱۱۹، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۲۸، ۳۵۹، ۴۷۳). تعیین مساحت دقیق جزیره العرب، با توجه به تفاوت‌های مرز شمالی آن، اندکی مشکل است، با این حال مساحت ۲'۵۹۰'۰۰۰ کیلومتر مربع برای این سرزمین، که حدوداً آن را کشور عربستان سعودی دربر گرفته، پذیرفتنی است (به فرهنگ جدید جغرافیایی وبستر^۱، ذیل "Arabian Peninsula").

کشور بحرین از نظر طبیعی جزو جزیره العرب نیست؛ با این حال، در منابع گاهی بخشی از آن معرفی شده است (به یاقوت حموی، همانجا؛ قدوره، ص ۱۳) که با بحرین کنونی متفاوت است (به بحرین^۲؛ نیز به ادامه مقاله). طول (شمالی - جنوبی) جزیره العرب بیش از ۲'۵۰۰ کیلومتر و عرض آن بیش از ۲'۰۰۰ کیلومتر و اکثر این سرزمین غیرمسکون است (صبری پاشا، ص ۱۲۸؛ قس نافع، ص ۱۴، که طول آن را ۱'۰۰۰ و عرض آن را ۱'۵۰۰ کیلومتر ذکر کرده است).

از لحاظ طبیعی جزیره العرب مناطق مهمی دارد که از آن جمله است: نفود^۳ در شمال، آحساء^۴ در مشرق، حجاز^۵، تهامه^۶ و عسیر^۷ در مغرب، ذُفَناء^۸، نجد^۹ و رُبْع الخالی^{۱۰} در مرکز و حَضْر موت^{۱۱} و ظَفار^{۱۲} در جنوب. بیشتر این سرزمین نسبتاً هموار است و ناهمواریها عمدتاً در مغرب و جنوب، تقریباً موازی با ساحل دریای سرخ و خلیج عدن، امتداد یافته است. در دامنه این ناهمواریها و نیز در سواحل غربی، مهم‌ترین و بیشترین شهرها و آبادیها استقرار یافته‌اند. به جز مغرب و جنوب و بخشی از مشرق جزیره العرب که کوهستانی است، بقیه جزیره العرب را دشتهای کم ارتفاع تشکیل می‌دهد و از این لحاظ، جزیره العرب را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد: مشرق، از سواحل تا ارتفاع دویست متری؛ میانی، از ارتفاع دویست تا هزار متری؛ و ناهمواریهایی با بیش از هزار متر ارتفاع.

«تصحیح و تحقیق متون حدیثی»، علوم حدیث، سال ۵، ش ۱ (بهار ۱۳۷۹)؛ جعفرین خضر کاشف الغطاء، الحَقّ المبین فی تصویب رأی المجتهدین و تخطئة الأخباریین، چاپ محمدکاظم روحانی، در گنجینه بهارستان: مجموعه ۱۱ رساله در فقه و اصول، به کوشش حسنعلی علی اکبریان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱ ش؛ مجلسی؛ حسین بن محمدتقی نوری، جنة المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجة علیہ السلام، أو، معجزته فی الغیبة الکبری، در مجلسی، ج ۵۳.

/ علی اکبر ذاکری /

جزیره الطریف به طریف

جزیره العرب (یا شبه جزیره عربستان)، پهناورترین

شبه جزیره جهان، واقع در جنوب غربی آسیا. جزیره العرب میان آبهای خلیج فارس، دریاهای عمان و عرب در مشرق، اقیانوس هند و خلیج عدن در جنوب و دریای سرخ در مغرب قرار دارد و به سبب جریان رودها، از جمله فرات، در قسمت شمالی آن - که شبه جزیره را تقریباً به صورت جزیره در آورده است - اکثر جغرافیایان و مورخان قدیم و جدید آنجا را جزیره العرب نامیده‌اند (برای نمونه به ابن حانک، ۱۴۰۳؛ حمزه، ۱۳۸۸؛ وهبه، ۱۳۷۵؛ کتال، ۱۳۸۴). در باره حد شمالی آن اختلاف هست. به نظر ابن حانک و یاقوت، این سرزمین از شمال هم با آب محصور است و به همین دلیل آنجا را جزیره نامیده‌اند. آنها فرات را مرز شمالی جزیره العرب ذکر کرده و نوشته‌اند فرات از سرزمین روم سرچشمه می‌گیرد و در منطقه قُسَرن^۱ جریان می‌یابد و به جزیره^۲ و سواد عراق می‌رسد و سپس در ناحیه بصره و اُبُلّه به دریا می‌پیوندد و تا آبادان ادامه می‌یابد و بدین ترتیب مرز شمالی جزیره العرب را تشکیل می‌دهد (ابن حانک، ۱۴۰۳، ص ۸۴؛ یاقوت حموی، ذیل ماده). در گزارشهای دیگر، شمال جزیره العرب به صورت خطی فرضی ذکر شده که از شهر غَزّه در فلسطین آغاز می‌شود و پس از عبور از دمشق و فرات، به خلیج فارس منتهی می‌گردد (به اصمعی، مقدمه آل یاسین، ص ک) یا به صورت خطی فرضی در شمال سوریه و عراق است که با امتداد آن، هلال خصیب^۳ جزو جزیره العرب می‌شود (به قدوره، ص ۱۱). کتال نیز حد شمالی جزیره العرب را شهر رَقّه در سوریه دانسته است (ص ۶، نیز به ص ۵، پانویس ۱). همچنین، مرز شمالی جزیره العرب را - که بخش اصلی شبه جزیره را شامل می‌شود - می‌توان خط فرضی دیگری دانست که از خلیج عَقَبه تا مصب